

تدریس زبان عربی گفتاری

الفبای عربی علامه دار برای نگارش غیر رسمی

نویسنده: انجلا الریس (Anjela Al-Raies) استاد در دانشگاه روما تری (Roma Tre Università)

متن اصلی: انگلیسی

برگردان به دری توسط: نوروز علی ثابتی

حمل سال ۱۳۹۲ هـ. خ.

درواز، بدخشان

پیشگفتار مترجم:

یکی از چالش‌های موجود در قسمت نشان دادن آواهای زبان‌های متفاوت، استفاده از رسم الخط زبان عربی است. الفبای زبان عربی محصور به آواهای زبان عربی بوده، و برای زبان‌هایی که آواهای متفاوت بیشتر نسبت به عربی دارند، مشکل است که با این گرافیم‌ها تمام آنها را نشان داد. حتی الفبای زبان عربی برای آواهای موجود در گویش‌های متفاوت زبان عربی کفایت نمی‌کند و بسیاری از آواها در زبان عربی وجود دارند که گرافیم خاصی از آنها نمایندگی نمی‌کند. این ادعا را انجیلا الریس استاد دانشگاه روما تری (**Roma Tre Università**) از طریق پروژه تحقیقی اش به ثبوت رسانیده است.

زبان شغنانی هم در افغانستان با چین رویکردی دست و پنجه نرم می‌کند. آواهایی که در این زبان وجود دارند، رسم الخط زبان عربی به شمول دری و پشتو از آن آواها نمایندگی کرده نمی‌توانند. تا کنون بعضی از نویسندگان شغنانی به ذوق و سلیقه خود شان نویسه‌هایی را بر علاوه نویسه‌های الفبای پشتو برای آوای خاص زبان شغنانی وضع نموده اند. ولی تا کنون نویسندگان به توافق کلی نرسیده اند.

عده از نویسندگان، نویسه‌ها «ث» و «ذ» را نماینده آوای /θ/ و /δ/ هستند. اما، تحقیقات جدید نشان می‌دهد که حروف «ث» و «ذ» حتی در زبان عربی نمایندگی از چند آوا می‌کنند. که به ترتیب عبارتند از: ث = {ث، ت، س}؛ ذ = {ذ، ز، د} قسمی که در تحقیقات انجیلا باز تاب یافته است. بنا بر این، وی به این فکر شده تا علامه‌های تمیز دهنده را بر این حروف بیفزاید تا باعث تفکیک درست آواهای متفاوت گردد.

وی ادعا نموده که حروف «ث» و «ذ» نمایندگی از سه آوا می‌کنند، و برای تفکیک آنها از یکدیگر از علامه‌های متفاوت کار گرفته است. مثلاً: ث، ت، ب، د، ذ، د.

حرف «ذ» که به شکل «ت» است صدای «ز» را می‌دهد، و به شکل «د» که نوشته شده، صدای «د» را می‌دهد. حرف «ث» هم که به شکل «ب» نوشته شده، صدای «ت» را می‌دهد، و حرف «ث» که به شکل «ت» نوشته شده، نمایندگی از آوای «س» می‌کند.

انجیلا ادعا نموده است که الفبای کنونی زبان عربی نمی‌تواند از تمام آواهای موجود در آن زبان نمایندگی کند. این امر سبب می‌گردد که دانشجویان خارجی با وجود آنکه برای سه تا چهار سال مصروف آموزش زبان عربی اند، نمی‌توانند با اهل زبان ارتباط برقرار کنند و یا بطور سلیس با آنها صحبت کنند. این بخاطر این است که، دانشجویان تنها به متون درسی و کتاب متوسل می‌شوند، و آواها را بطور درست، قسمی که اهل زبان آنرا تلفظ می‌کنند.

عین مشکل در زبان شغنانی وجود دارد. الفبایی که برای این زبان تدوین گردیده، نمی‌تواند بطور خاص از آواهای موجود در این زبان نمایندگی کنند. بطور مثال، حروف «ث» و «ذ» در این زبان، از دو آوای متفاوت نمایندگی می‌کنند.

ث = /θ/ و /s/؛ ذ = /δ/ و /z/

در واژه‌های: ثور، ثریا، ثواب، میراث، حرف «ث» از آوای /s/ می‌کند و در واژه‌های ثیر (خاکستر)، ماث (چوبدست)، از آوای /θ/ نمایندگی می‌کند. همچنان، حرف «ذ» در واژه‌های ذاکر، ذوق، کاغذ، نمایندگی از آوای /z/ و در واژه‌های ذست (دست)، و توذ (توت) از آوای /δ/ می‌کنند. آیا این روش دوگانگی بوجود نه آورده است؟ در حقیقت، آوا نویسه، نویسه‌ای است که فقط از یک آوا نمایندگی کند. بنا بر این، ضرور است که به حروف «ث» و «ذ» علامه‌هایی افزوده شوند، تا سبب تفکیک آواهای نا همگون در این حروف گردد. بنابراین، انتخاب نویسه‌ها «ب» و «د» و «ذ» گزینه خوبی برای رفع این معضله است تا با استفاده از علامه‌ها، آواها بخوبی از هم تفکیک گردند.

بنا بر معضل فوق در الفبای زبان شغنانی و مشابه بودن آن با یافته های پژوهش انجلا، بر آن شدم تا رساله اش را ترجمه نمایم تا کسانی که در زمینه تحقیقات الفبای شغنانی کار می کنند، از آن استفاده کرده بتوانند. از اینکه متن اصلی به سویه اکادمیک خیلی عالی مرتب گردیده، مترجم قادر به ترجمه آن بطور قناعت بخش نشد و شاید خواننده در دریافت جملات با مشکل رو برو خواهد شد. بنابر این، خواننده باید متن انگلیسی را جهت اطمینان خاطر مرور نماید. اگر کدام اشتباهی را در ترجمه متن ببینند، آنرا به ذیل عفو پوشیده، و مترجم را از طریق پست الکترونیکی مطلع سازند تا در اصلاح بعدی متن در نظر گرفته شود.

با کمال احترام

نوروز علی ثابتی

اختصاراتی که متن اصلی (انگلیسی) آمده اند:

MSA = Modern Standard Arabic

عربی معیاری مدرن

ISA = Inter-common Spoken Arabic (ISA)

عربی گفتاری مشترک

DA = Dialectal Arabic

عربی لهجه ای

ESA = Educated Spoken Arabic

عربی گفتاری تحصیل کردگان

SA = Spoken Arabic

عربی گفتاری

SsA = Sub-Standard Arabic

عربی معیاری فرعی

EMC = Electronically-Mediated Communication

وسیله ارتباطات الکترونیکی

L² = Second Language

زبان دوم

CA = Communicative Arabic

عربی ارتباطی (که در رسانه ها از آن کار گرفته می شود)

DAW = Diachritized Arabic Writing

نگارش عربی علامه دار

معرفی

احتمالاً یکی از بزرگ‌ترین چالشی که آموزندگانی که اهل زبان نیستند، با آن مواجه می‌گردند (زمانی که آموزش زبان عربی را آغاز می‌نمایند)، وضعیت پیچیده اجتماعی – زبانی است. این نظریه در مورد^۱ diglossia توسط فرگوسن^۲ (۱۹۵۹، ص. ۳۳۶) تشریح گردیده که آن یک وضعیت نسبتاً با ثبات زبان است که بر علاوه لهجه های اولی زبان، ... در آن یک تنوع انطباقی متفاوت و خیلی ها مدون (غالبن مغلق تر در مسایل دستور زبان) موجود می باشد. بر اساس نظریه دو گانگی فرگوسن، تنوع بالا^۳ (H) در فعالیت های رسمی، مراسم مذهبی، و خطابه های سیاسی استفاده می گردد، در حالی که لهجه ها و یا تنوع پایین (L) زبان محاوره ای روز مره است. علی الرغم این تفاوت، بسیاری از نویسندگان احساس نمودند که نظریه دیگلوسیک در قسمت تشریح حقانیت زبان عربی نا مناسب است. در حقیقت، آنها تلاش نمودند تا یک سلسله سطح متوسط را در میان تنوع بالا (H) و تنوع پایین (L) تعریف کنند. فقط چند تن از نویسندگان را ذکر می نمایم. بلانک^۴ (۱۹۶۰، ص. ۸۵) پنج سطح را قرار زیر مشخص نمود: کلاسیکی، کلاسیک اصلاح شده، نیمه ادبی و یا محاوره ای پیشرفته، گویش محلی پیشرفته، و محاوره ساده. کوان^۵ (۱۹۶۸) زبان عربی معیاری مدرن را به آزمایش گرفت؛ کادورا^۶ (۱۹۶۵) به سه نوع زبان محاوره ای موجود اشاره نمود که عبارتند از عربی معیاری مدرن، عربی محاوره ای مشترک، و عربی لهجه ای.

سهم برجسته در راستای مطالعه وضعیت زبانشناسانه زبان عربی را یک جامعه شناس زبان بنام س. بدوی پایه گذاری نمود. او اینرا منحیث یک زنجیر بهم بافته در پنج سطح متفاوت تشریح نموده که با یکدیگر می توانند کنش متقابل داشته باشند و عناصری را شامل هستند که آن در یک و یا دیگر سطوح هم موجود بوده، مگر در تناسب متنوع قرار دارند (بدوی و هیندس^۷، ۱۹۹۱، ص VIII). در واقعیت امر، بدوی این سطوح را از هم بمتاباه متنوعات مجزا در نظر نمی گیرد، اما او به استعاره یک قوس قزح متوسل می شود: در آن ساحات رنگ تازه موجود است که از یک سطح مرکزی نمایندگی می کنند و ساحاتی که در آنجا، رنگ ها با یکدیگر می آمیزند و آن از ساحات تحلیل رفتن میان سطوح رنگ ها نمایندگی می کند. پنج سطحی که توسط بدوی^۸ (۱۹۷۳) تشریح شدند، قرار زیر است: فصیح^۹ الثورات (" میراث " عربی و یا عربی کلاسیک سنتی)، فصیح^{۱۰} العصر (عربی کلاسیک ادبی معاصر)، عامیه المتقفین (گویش اهل فرهنگ و ادب، یعنی تحصیل کردگان عالی)، عامیه المتنورین (گویش اهل سواد)، عامیه الامویین (گویش افراد بی سواد). قابل ذکر است که بدوی همچنان امکانیت استفاده واقعی گفتار شفاهی برای هر دوره توضیح می دهد. چنانچه، فصیح العصر یک یاد داشت نوشتاری می باشد که همچنان می تواند در میان عامه خوانده شود و فقط چند تن می توانند آنرا بکار برند و گاهی اوقات همراهی با موفقیت فی البدهیه در عین سطح زبانی و همراه با محدودیت های دستوری زبان نوشتاری، صحبت کنند (۱۹۷۳، ص. ۱۲۷). عامیه المتقفین، در عوض، گویشی است که بطرف فصیح حرکت می کند و به درجه ای می رسد که در آنجا قادر می شود تا فرهنگ معاصر شفاهی را بیان کند (۱۹۷۳، ص. ۱۴۹). باسیونی^۹ این سطح را به عنوان نفود محاوره ای توسط عربی معیاری مدرن توصیف می کند که ممکن است در مباحثه جدی استفاده گردد، مگر بطور عادی نوشته نمی شود. این همچنان زبانی است که در دانشگاه های مصری از آن استفاده می گردد و این زبان در حال واسطه شدن دستور آموزشی در صنوف مصری است (۲۰۰۹، ص. ۱۵). عامیه المتنورین (گویش تحصیل کردگان) توسط

^۱ A situation in which two languages or two forms of a language are used under different conditions in a community. Oxford Advanced Learner's Dictionary, 7th edi, Oxford University Press, ۲۰۰۶, p. ۴۲۵.

وضعیتی که در آن دو زبان و یا دو نوع یک زبان تحت شرایط متفاوت در یک جامعه استفاده می گردند.

^۲ Ferguson

^۳ H = High; L = Low

^۴ Blanc

^۵ Cowan

^۶ Cadora

^۷ Badawi & Hinds

^۸ Badawi

^۹ Bassiouney

باسیونی توضیح گردیده که آن عبارت از زبان روز مره است که اشخاصی که سویه تعلیمی پایین دارند، همراهی اعضای خانواده و دوستان از آن استفاده می کنند. همچنان در برنامه های تلویزیونی در یک بحث روز موضوعات معمولی ممکن است که اتفاق بیفتد. اشخاص تحصیل کرده و اهل فرهنگ همراهی این سطح زبان در هنگام تفریح در مورد موضوعاتی که جدی نیستند، از آن کار می گیرند (۲۰۰۹، ص. ۱۵).

اصطلاح «عربی گفتاری تحصیل کردگان» توسط الحسن^{۱۰} (۱۹۷۷) معرفی گردید و میشل آنرا در تحقیقات خود بحث نمود. میشل^{۱۱} آنرا به عنوان شکل آمیخته توصیف نمود که توسط کنش متقابل در میان نگارش و گویش عربی حفظ مانده است. میشل (۱۹۸۶، ص. ۷-۳۲) استدلال می کند که «عربی گفتاری تحصیل کردگان» به نیازمندی های اهل تحصیل عرب از کشور های مختلف پاسخگو می باشد تا آنها روی موضوعاتی بحث نمایند که توسط گویش منطوقی نمی توان در آن خصوص آن حرف زد. با داشتن یک وسیله افهام و تفهیم مشترک، این تنوع تحت نفوذ عربی ادبی کلاسیک می باشد، بویژه در ساختار و واژه ها آنچه که عرب های تحصیل کرده بطور مشترک دارند. نظر به دیدگاه میشل، «عربی محاوره ای تحصیل کردگان» عرب - شمول بوده در هر جا قابل فهم می باشد حتی اگر تفاوت های منطوقی در آن بروز کند.

این مرور کوتاه و همه جانبه بعضی از تعاریفات عمده در مورد تنوعات عربی محاوره ای و نوشتاری در نظر دارد تا یک نظریه ارائه دهد که چقدر وضعیت زبانی عربی پیچیده است. بخاطر سادگی و سهولت من فقط از دو اصطلاح اصلی در این مقاله استفاده می برم: عربی معیاری مدرن و عربی محاوره ای. منظور من از «عربی معیاری مدرن» عموماً فصیحی معاصر؛ یعنی، زبان رسمی نوشتاری است که از آن بشکل افهام و تفهیم نوشتاری (مکاتبات رسمی)، در ژانر های نویسندگی (ادبیات و رسانه های جمعی) و در بعضی از رویداد های رسمی (گزارشات رسانه ای، سخنرانی های سیاسی، مراسم مذهبی) کار گرفته می شود. در حالی که، عربی محاوره ای به تنوعی اشاره می کند که عرب ها آنرا در مکالمات شفاهی (تقریری) استفاده می برند، یا آن عربی محاوره ای است که در اوضاع زندگی روز مره و در تمام کنش های متقابل ذات الیینی استفاده می گردد، و یا عربی معیاری مدرن در مورد موضوعات عالی تر استفاده می گردد.

در زمان نه چندان دور، عربی شفاهی اغلب (و تا هنوز) توسط بیشتر عرب ها بعنوان کم اهمیت تر نسبت به فصیحی مردود شمرده شد گویا اینکه آنها در مکالمات روز مره همه وقت از آن کار می گیرند. عربی معیاری مدرن برای هر شکل افهام و تفهیم نوشتاری حتی در زمینه های غیر رسمی (مانند نامه های شخصی) استفاده می شود. این در حالیست که عربی شفاهی تقریباً در هر نوع افهام و تفهیم شفاهی استفاده می شود. ظاهر، ظرفیت بیان تحریری یک شخص با عربی معیاری مدرن کاملن به سطح سواد وابستگی دارد، مگر نوشتن عربی شفاهی عموماً قابل پذیرش نیست. جنبه جدیدی که در دهه های اخیر در عربی شفاهی آمیخته شده است که آن اصلن فقط در مکالمات شفاهی کار برد دارد و همچنان در حال ظاهر شدن در شکل نوشتاری است. میشل خاطر نشان ساخت که نشانه هایی وجود دارند که زبان نوشتاری مصری در حال کوشش به آمیختگی دارد (۱۹۶۲، ص. ۱۱) و میلسیس^{۱۲} (۱۹۸۰)، عربی معیاری فرعی را هم به تقریری و تحریری تقسیم بندی نموده و آنرا بنام «عربی نوشتاری غیر رسمی» یاد نموده است.

اگرچه شکل ابتدایی عربی شفاهی در ادبیات در قرن نوزدهم، بویژه در ادبیات مصر ظاهر شد، عربی شفاهی توسط تعداد برجسته از عرب آنرا به شکل نوشتاری، هم فرهنگیان و هم تحصیل کردگان در نتیجه تکثیر اشکال جدید افهام و تفهیم غیر رسمی آنرا آغاز کرده اند. این خصوصیت جدید تا اندازه ای کاربردی را بدوی به تنوعات متفاوت نسبت داده بود، تغییر داد؛ از اینکه تمام تنوعات گویشی را در سیستم نوشتاری شروع کردند و نه تنها بطور شفاهی تولید می شدند. این می تواند متن یک سخنرانی باشد که بطور شفاهی ایراد شده باشد (مثلن مصاحبه ها، سخنرانی های سیاسی)، ژانر های ادبیات در عربی شفاهی که اصلن بشکل نوشتاری تولید شده اند مانند نمایش نامه ها، نوشته های کمدی، و غیره. بر علاوه این، شکل های جدید افهام و تفهیم با وسایل الکترونیکی موجود هستند که آنها در حقیقت یک نوع کانال آمیخته هستند. در این صورت،

^{۱۰} El Hassan

^{۱۱} Mitchell

^{۱۲} Meilese

عربی شفاهی نوشته می شود گویا اینکه صحبت می گردد (مثلن در پیام های کوتاه، در گپ زدن (chat)، در شبکه های اجتماعی و در بلاگ های شخصی).

۱. تدریس تنوعات زبان شفاهی

از اینکه عربی معیاری مدرن زبان نوشتاری رسمی است و مساویانه در سراسر جهان عرب قابل فهم می باشد، تأکید عمده روی کورس های زبان عربی عمومن در مورد کسب این تنوع است. میشل برای دانش آموزان هشدار می دهد که آنها باید آماده باشند تا با نگرشی که در مراکز آموزشی در اروپا عمومیت دارند، برابری کنند که آن عبارت از اینست که زبان نوشتاری و احتمالن ادبی به تنهایی ارزش مطالعه را دارد (۱۹۶۲، ص ۱۳). کورس های سنتی فقط بالای عربی معیاری مدرن تمرکز کردند و دانش آموزان را آماده نمودند تا متون را بخوانند و دستور زبان را بدانند. این کورس ها مواد چاپی را در اختیار دانش آموزان قرار میدادند، اما شاگردان را قادر نساختند تا صحبت کردن اهل زبان را بفهمند و با ایشان صحبت نمایند و از اینکه عربی معیاری مدرن تنوعی نیست که از آن در افهام و تفهیم شفاهی کار گرفته شود. بعد از آغاز دهه ۱۹۷۰، تمایل به تغییر این روند رایج شروع شد و توجه بیشتر به ضرورت انکشاف مهارت گپ زدن معطوف گشت. بدبختانه، آموزندگان کسانی که آنها آموزش دیدند تا مهارت گپ زدن در آنها از طریق "گفتگو ها" در عربی معیاری مدرن انکشاف داده شود، چنین چیزی در زندگی آنها اتفاق نیفتاد و در یک محیط عرب زبان نتوانستند گزرا کنند، برای اینکه عربی شفاهی تنوعی است که برای کنش های افهام و تفهیم بکار می رود. در نتیجه، مشکل تدریس تنوع زبان گفتاری در پهلوی تدریس عربی معیاری مدرن نشئت نمود.

البتل^{۱۳} (۱۹۹۵) ذکر می نماید که کتاب راهنمای تسلط زبان عربی که برای بار نخست در سال ۱۹۸۵ به زیور طبع آراسته شد، ازینرو یک رویداد مهم در تدریس زبان عربی است که اهمیت مهارت های گپ زدن را برجسته ساخته، و از مشکل دیگلسیا (دوگانگی بودن زبان) اجتناب می کند و فقط بر اساس استفاده زبان عربی معیاری استوار است. در همان مقاله، وی اهمیت انکشاف تسلط بر زبان شفاهی واقعی به مثابه استفاده عربی معیاری مدرن به عنوان ابزار صحبت نمودن در صنف مورد بحث قرار داده که آن مدل تقلبی تسلط بر زبان شفاهی با ارائه نمودن شاگردان یک تنوع تصنعی که آن توسط گویشوران اهل زبان استفاده نمی گردد، بخاطری که هیچکس عربی معیاری مدرن را در اوضاع و اطوار روز مره استفاده نمی کنند (۱۹۹۵، ص ۱۲۳). وی اهمیت یک شیوه ترکیبی را مورد تأکید قرار می دهد و معلمین را تشویق نموده هم عربی معیاری مدرن و هم عربی گفتاری را در صنف کار کنند، ارائه همان تنوعات آمیخته استفاده واقعی اهل زبان را منعکس می سازد. وی همچنان تأکید می ورزد که این روش ترکیبی به مواد آموزشی جدید ضرورت دارد تا این هر دو تنوع را همزمان معرفی کرده بتواند.

در عین زمان، آموزندگان علاقه مند هستند و خواهش بیشتر دارند تا عربی گفتاری را مطالعه کنند. یک سروی ملی در ایالات متحده امریکا نشان می دهد که اکثر دانش آموزان علاقمند به فراگیری زبان محاوره ای هستند (بل نپ^{۱۴}، ۱۹۸۷). پالم^{۱۵} (۲۰۰۷) یافته های سروی دیگری را مورد بحث قرار می دهد که در آن ۶۵۰ شاگرد در ۳۷ موسسه تحصیلی عالی در ایالات متحده راه اندازی شده است. این سروی نشان می دهد که ۸۸ درصد شاگردان عربی را می آموزند تا با اهل زبان گفتگو کنند، فقط ۲۸ درصد شاگردان توسط آموزگاران ترغیب شده اند تا عربی شفاهی را در صنف بکار برند (۲۰۰۷، ۱۱۶ - ۱۱۷).

در این مقاله، مشکلات کلیدی در قسمت تدریس زبان شفاهی عربی را مورد بحث قرار نمی دهیم؛ مانند اینکه چه وقت شروع شود، کدام نوع گویش انتخاب شود (مثلن مصری، خاور میانه، شمال افریقا، و دیگران)، در کدام ترتیب عناصر زبانی

^{۱۳} Al-Batal

^{۱۴} Belnap

^{۱۵} Palmer

معرفی شوند، و یا آیا بهتر است از زبان عربی گفتاری، و یا فقط زبان عربی معیاری مدرن کار گرفته شود و یا روش ترکیبی از هر دو بهترین راه حل است. آنچه که من می‌خواهم مورد بحث قرار دهم، ضرورتی است تا برای آموزندگانی که آنها عربی گفتاری را با ابزار مناسب مطالعه می‌کنند، فراهم نمایم که بتواند آنها را مساعدت کند تا نکات منبع نوشتاری داشته باشند. برای کسب هر زبان به عنوان زبان دوم، ضرور است تا مهارت های عمده زبان را تمرین نمایند (گوش دادن، خواندن، گپ زدن، و نوشتن) و عربی محاوره ای نمی‌تواند استثنا قرار گیرد، حتی اگر آن عمدتاً در افهام و تفهیم شفاهی استفاده شود. آموزندگان، آنهایی که آرزو دارند تا هر شکل عربی گفتاری را بیاموزند، به مواد نوشتاری نیاز دارند مانند: کتاب درسی، محاوره نوشتاری، و غیره که این مواد آنها را کمک می‌کنند تا لغات و واجشناسی را به حافظه بسپارند. بنابراین، معضله اینست که چطور یک زبان شفاهی در یک نظام نوشتاری تدوین گردد تا اینکه برای مقاصد تدریس سودمند واقع گردد.

۲. الفبای فونتیک در تقابل با الفبای عربی

۱،۲. الفبای فونتیک (آوا نگاری)

برای مدون ساختن زبان عربی گفتاری در نوشتار، دو طریقه ممکن وجود دارد که یکی استفاده از الفبای فونتیک و دیگری استفاده از الفبای عربی است. الفبای آوانگاری تا کنون طریقه است که بخاطر تدوین تنوعات گفتاری و لهجه‌ها برای مقاصد علمی بویژه در بخش لهجه شناسی، کاربرد وسیع و قابل قبول دارد. دلیل عمده در مورد کاربرد الفبای آوا نگاری اینست که آن برای آموزندگان تلفظ واقعی و دقیق را فراهم می‌نماید و آشنایی با آوای زنده زبان، در صورتی که کار برد عملی آن مد نظر باشد، یک امر ضروری می‌باشد. (کول^{۱۶}، ۲۰۰۵، ص. ۲). البییر دوراند^{۱۷} استدلال می‌کند که الفبای آوانگاری با استفاده از الفبای لاتین یگانه روش قابل قبول در لهجه شناسی است، بخاطری که الفبای عربی برای انتقال آواها، بویژه آواهای مصوت «واکه‌ها»، در تنوعات گویشی مناسب نیست (دوراند، ۲۰۰۹، ص. ۹). اگر الفبای آوا نگاری برای تشریح و مقاصد علمی استفاده می‌شود، این مطالب باید در نظر گرفته شوند. این می‌تواند در یک کتاب مرجع دستور زبان سودمند باشد، مگر در کورس‌ها و کتب درسی منفعت عملی ندارد. مطالعه زبان محاوره ای عربی با الفبای آوا نگاری می‌تواند عجیب بنظر رسد طوری که زبان انگلیسی و یا فرانسوی بعوض الفبای قبول شده شان با شکل دیگری آنرا نشان داده شوند. اگر چه (الفبای) این زبان‌ها همیشه آوای زنده را در تلفظ معیاری منعکس نمی‌سازند. بنابراین، کورس‌ها زبان عربی بر اساس الفبای آوا نگاری بنا به چند دلیل راحت به نظر نمی‌رسند.

مهارت زبان: آموزش یک زبان نیاز به انکشاف چهار مهارت (گوش دادن، خواندن، گپ زدن، و نوشتن) دارد. منظور از خواندن و نوشتن اینست که این مهارت‌ها از طریق الفبای همان زبان انجام می‌پذیرند و از طریق توانایی خواندن الفبای آوا نگاری. اعتراض عمده در قسمت استفاده الفبای عربی در نوشتار عربی گفتاری آنست که شکل آواها معمولن نوشته نمی‌شوند و اهل زبان هیچ گرافیمی را در نوشتن استفاده نمی‌کنند تا از همان آواها نمایندگی کنند. قسمی که در بالا استدلال نمودیم، این نظریه فقط قسمتی درست است بخاطری که اهل زبان بویژه در این اواخر، حتی در شکل تحریری زبان گفتاری عربی نظریات خود را ابراز می‌دارند. بر علاوه این، تعدادی از آثار داستانی که با عربی گفتاری نوشته شدند (مخصوصن در عربی مصری)، فقط از الفبای عربی استفاده نمودند. بنابراین، آموزش دادن دانشجویان در قسمت اینکه زبان گفتاری عربی را فقط از طریق الفبای آوا نگاری بخوانند، به این نوع آثار ادبی و دیگر متون معلوماتی دسترسی نخواهند یافت.

دلایل عملی: آموزندگانی که آنها عربی گفتاری را مطالعه می‌کنند، معمولن در معرض عربی معیاری مدرن قرار دارند و در اکثر حالات آنها نخست به آموزش عربی معیاری مدرن آغاز می‌نمایند و سپس در مرحله بعدی بطرف زبان شفاهی

^{۱۶} Cowell

^{۱۷} Olivier Durand

عربی پیش می‌روند^{۱۸}. این بدان معنی است که آنها در خواندن و نوشتن با الفبای عربی، در عربی معیاری مدرن تجربه دارند، و آنها قبلان تلاش نموده اند تا خواندن سلیس عربی را کسب نمایند. استفاده از عین الفبا، از ضایع کردن اوقات شاگردان در خواندن جلوگیری می‌کند تا اینکه الفبای آوا نگاری را بخوانند و بدانند. مضاف بر این، اگر ما آنرا در یک وضعیت مطلوب در نظر بگیریم، بعضی از آموزگاران^{۱۹} کورس‌های ترکیبی از عربی معیاری مدرن و عربی شفاهی پیشنهاد می‌نمایند، و این معقول به نظر می‌رسد که برای هر دوی اینها از یک نوع نوشته استفاده شود.

تنوعات یک زبان: مطالعات جامعه‌شناسی زبانی نشان می‌دهد که عربی معیاری مدرن و سطوح مختلف عربی گفتاری دو اصطلاح متفاوت نیستند ولی تنوعات متداخل و موجود با هم در عین زبان هستند. بنابر این دلیل، البتل بعضی از کتب درسی محاوره‌ای زبان عربی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. طوریکه آن کتاب‌ها، در مورد لهجه‌ها، بعنوان یک چیز کاملن مجزا از عربی معیاری مدرن پرداختند، بجای اینکه آنها را به عنوان بخش کامل زبان عربی در نظر می‌گرفتند. استفاده آنها از الفبای فونتیکی، مفکوره‌ای را منعکس ساخت که عربی گفتاری و عربی نوشتاری دو زبان مجزا میباشند بجای اینکه دو سطح یک زبان (۱۹۹۵، ص. ۱۱۸) تلقی گردند.

ملاحظات در ریشه‌شناسی: پدیده‌های متفاوت فونتیکی در کشور های مختلف عربی می‌تواند منجر به شناخت های فونولوژیکی متفاوت در عین واژه گردند. این بدان معنا است که حتی یک واژه آشنا که قبلن با استفاده از الفبای عربی در عربی معیاری مدرن یاد گرفته شده، می‌تواند برای آموزندگان غیر اهل زبان قابل شناخت شود زمانی که آنها در معرض شناخت فونتیکی آن قرار گیرند و یا زمانی که آنها، آنرا با الفبای فونتیکی بخوانند (طور مثال: واژه «يَحْدُثُ» در عربی معیاری مدرن که در برابر آن در زبان گفتاری «يَحْدُسُ» است). این مسئله قوه درک شاگردان را منحرف می‌سازد و یا آنها را وادار می‌سازد دو واژه متفاوت را بیاموزند بعوض اینکه بشناسند که تفاوت میان عربی معیاری مدرن و عربی گفتاری بر قواعد عمومی فونولوژیکی استوار است. افزون بر این، شکل نوشته شده نه تنها آموزندگان را از شناسایی ریشه درست باز می‌دارد ولی حتی آنها را به یک ریشه نادرست منحرف می‌سازد (طور مثال: يَحْدُسُ، ریشه «حَدَس» را پیشنهاد می‌نماید تا «حَدَث» که ریشه درست واژه «يَحْدُثُ» است).

نشانه‌های متفاوت فونتیکی: کتب درسی متفاوت از علایم متفاوت استفاده می‌کنند که بطور معمول در مقدمه لست گردیده اند. این ممکن است که منجر به بعضی سر در گمی در آن عده آموزندگان می‌شود که آنها ضرورت مراجعه به بیشتر از یک منبع دارند.

تنوعات دیافیزی: سطوح متوسط میان دو قطب عربی معیاری مدرن و عربی گفتاری توسط یک لغت شریکی ایکه آن هم به عربی معیاری مدرن و هم لهجه تعلق دارد، مشخص می‌گردند. با وجود این، شناخت مورفو – فونولوژیکی حتی چنین واژه شریکی ممکن است که لهجه‌ای باشد. مزرانی^{۲۰} (۱۹۹۷، ص. ۳۳ – ۳۸) همچنان امکان شناخت های «نزدیک به لهجه» و «نزدیک به زبان معیاری» را بحث می‌نماید. این بدان معنا است که عربی گفتاری می‌تواند بیشتر از یک شناخت ممکن مورفو – فونولوژیکی در عین واژه داشته باشد، در صورتی که محل وضعیت افهام و تفهیم تغییر کند. بنابراین، ممکن نیست که یک نوشته فونتیکی به نسبت تلفظ های ممکن متفاوت زیاد یک نواخت نمی‌تواند باشد. بهر حال، شناخت های عنصر مشترک، عین ریشه، ریشه شناسی است که آن می‌تواند با الفبای عربی خوبتر بیان شود.

تنوعات دیاتوپیک: عربی گفتاری از یک کشور تا به کشور دیگر فرق دارد و حتی بعضی تفاوت های کم حتی در یک ساحه لهجه‌ای هم وجود دارند. یک مثال ساده می‌توانیم از واژه «ثقافة» (فرهنگ) داشته باشیم که در سوریه «ثقافیه» و در لبنان «سئی فیه» و در مصر «سئافه» و «سقافه»، و در خلیج (فارس) و عراق «ثقافه» تلفظ می‌شود. با جود این، گویندگان محلی از این کشور ها هنوز از عین نمود الفبا در واژه «ثقافه» استفاده می‌کنند، و نوشته می‌کنند آنچه

^{۱۸} ترتیب معرفی عربی معیاری مدرن و عربی گفتاری هنوز هم یک مشکل حاد است که سبب برخاستن مناظرات متعدد گردیده است.

^{۱۹} یونس، ۱۹۹۵، ص. ۲۳۳ – ۲۵۵

^{۲۰} Mazraani

را که بطور متفاوت تلفظ می‌کنند. در عین زمان، علامه‌های دقیق و متفاوت فوننتیک (آوا نگاری) عین لغت، آموزندگان غیر اهل زبان را هدایت نمی‌دهند تا درک کنند که آنها با تنوعات آوایی (فونولوژیکی) عین واژه سر و کار دارند.

۲.۲. الفبای عربی

در این بخش در مورد منافع و ضرر های استفاده از الفبای عربی در نوشتن زبان گفتاری عربی تحقیق خواهیم نمود.

فوننتیک (الفبای آوا نگاری بین‌المللی): الفبای عربی بیشتر مطابقت یک به یک با فونیم‌های (آوا های) زبان عربی دارد و این صدا های متمایز عربی کلاسیک و عربی معیاری مدرن را نشان می‌دهد (گوردن^{۲۱}، ۱۹۷۰، ص. ۱۹۳ – ۱۹۷). با وجود این، این الفبا، علامه‌های الفبایی ضروری را ندارد که آن با واکه‌ها (واول‌ها) و همخوان‌های (کانسوننت‌های) لهجه‌های عربی مطابقت کند، که من آنرا در این بخش بحث خواهیم نمود.

ریشه‌شناسی: آگاهی گویندگان بومی از حفظ نمودن ریشه آوایی و ریشه‌شناسی، علی‌الرغم تفاوت‌های متعدد در تلفظ، آنرا یاری می‌رساند تا معنی را بشناسند. نوشته‌های غیر رسمی شان شامل نویسه‌ها (حروفی) است که از آواهایی نمایندگی می‌کنند که تلفظ آنها در عربی گفتاری تعدیل می‌شود. از اینکه گویندگان بومی دانش کسب شده قبلی در قسمت شناخت واجشناسی محاوره‌ای دارند، دقت آوایی شکل گرافیکی برای شان چندان مناسب نیست. عیناً، حفظ عین شکل نوشتار (طور مثال، عین نوشته برای واژه «ثقافه (فرهنگ)»، آموزندگان غیر اهل زبان را (که دانش قبلی در مورد زبان عربی معیاری مدرن دارند) به معنی شناسی لغات معین هدایت خواهد نمود، در حالی که الفبای فوننتیک می‌تواند آنها را منحرف کند. با وجود این، آموزندگان غیر اهل زبان به بعضی معلومات اضافی در مورد فوننتیک نیاز دارند تا بطور درست شناخت نزدیک به لهجه لغت معین را تلفظ کنند. در غیر اینصورت، ادامه دادن به نوشتن عربی معیاری معاصر، شناخت واجشناسی عربی معیاری مدرن را پیشنهاد می‌نماید.

زبان کانسوننتی (هم‌خوان): زبان عربی یک زبان کانسوننتیک (یعنی بیشتر وابسته به همخوان‌ها) می‌باشد. این بدان معنا است که اگر خواننده دانش قبلی داشته باشد که چطور واژه‌ها باید خوانده شوند، واکه‌های کوتاه را بطور تیوری می‌توان حذف نمود. واکه‌های کوتاه اضافه می‌گردند تا تدریس و آموزش تشریحی ساختار آوایی زبان عربی معیاری مدرن آسان گردد. این حتی زمانی که زبان ادبی برای گویندگان اهل زبان در مکتب تدریس می‌گردد، اتفاق می‌افتد. علامه‌های تمیز دهنده در بالا و پایین حروف جابجا می‌شوند تا سطح دوم ابهام را وضاحت بخشند: یعنی تلفظ تجویزی درست. طور مثال: یک گوینده بومی سوریه خواهد دریافت که فعل «پس آمدن» که استفاده می‌نماید، آنرا عادت نموده «رَجَع» (C1aC2eC3) ^{۲۲} تلفظ کند که آن ساختار آوایی تشریحی مانند (C1aC2aC3a) { رَجَع } دارد، از اینکه آن باید «رَجَع = raǧaʿa» (C1aC2eC3) یک گوینده اهل زبان بطور طبیعی ساختار نخستین را کسب می‌کند و سپس ساختار تجویزی را در تدریس رسمی می‌آموزد. در هر صورت، شکل نوشتاری هر دو ساختار فقط دوکتوس^{۲۳} همخوان‌ها (rǧʿ) (ر، ج، ع) را منعکس می‌سازد. بعدن، گویندگان اهل زبان، حتی این تلفظ رسمی را می‌توانند از دست دهند، ولی آنها هنوز واژه‌ها را در حین خواندن (و یا در وقت گوش دادن در قالب تجویزی) می‌شناسند، از اینکه سیستم نوشتاری همخوان (کانسوننت) فقط حروف ریشه را بدون در نظر داشت واکه‌ها (واول) نشان می‌دهد. حتی خواندن غلط هم (طور مثال: رَجَع را اگر «رَجِع» تلفظ کنند)، مانع درک مطلب نخواهد شد حتی اگر قواعد تجویزی را هم که در نظر نگیرند.

^{۲۱} Gordon

^{۲۲} (C1aC2eC3) مولف این قسم نوشته که در اینجا (C) مخفف (Consonant) می‌باشد؛ یعنی، همخوان اول + واکه + همخوان دوم + واکه + همخوان سوم. که دیگر نویسندگان آنرا به شکل (CVCVC) نوشته می‌کنند. که حرف (C) از کانسوننت (همخوان) و حرف (V) از واول (واکه) نمایندگی می‌کنند.

^{۲۳} ductus

این بحث پیشنهاد می‌کند که نوشتن عربی گفتاری با الفبای عربی (قسمی که اهل زبان صحبت می‌کنند) ممکن است که بعضی مشکلات را آسان‌سازد، مگر این مشکلات دیگری را بار خواهد آورد. رسم الخط عربی نشانه‌های واضح را برای معنی شناسی حفظ می‌نماید، بویژه در قسمت لغات مشترک میان عربی معیاری مدرن و عربی گفتاری. با وجود این، این نوع نگارش به شناخت واجشناسی واقعی ارتباط ندارد. خواندان مثال بالا (ثقافة)، گویندگان غیر اهل زبان که در عربی معیاری مدرن تجربه دارند، فوراً می‌فهمند که این واژه معنای «فرهنگ» را می‌رساند، ولی آنها در این مورد کدام نشانه‌ای ندارند که چه قسم شکل عربی گفتاری آنرا تلفظ کنند، قسمی که اهل زبان تلفظ می‌کنند.

۳,۲. کتب درسی در زبان عربی محاوره‌ای

حالا بیابید ملاحظه کنیم فقط بعضی مثال‌های که چطور بعضی از نویسندگان با معضله رونویسی تنوعات شفاهی مواجه شدند. من سه کتاب درسی محاوره عربی سوری (سوریه‌ای) را آزمایش کردم و هر کدام روش متفاوت برای این مشکل داشتند. در یک کورس عملی زبان عربی سوری^{۲۴}، نویسنده نگارش بدون آوای عربی را انتخاب نمود، مگر برای فراهم آوری معلومات برای آموزندگان در مورد واجشناسی و وضاحت دهی تلفظ، الفبای فوننتیک اضافه نموده بود.

مثال^{۲۵}: ۱:

بعدين رجع عاليت بالباص *baʕdeen réje ʕa-l-beet bəl baas*

در کتاب عربی محاوره‌ای مدرن در خاور میانه^{۲۶}، واژه‌های کوتاه عربی افزوده شدند علی‌الرغم اینکه آنها با تلفظ واقعی مطابقت ندارند. تلاش نویسندگان این بوده که تا برای آموزندگان کمک کنند تا بیش و یا کم آوای عربی گفتاری را بدون کمک الفبای فوننتیک باز آفرینی کنند که هنوز هم موجود است. با الفبای کار بردی کَسَب عین مثال چنین نوشته می‌شود.

مثال^۲:

بَعْدِین رَجِعْ عَالِیْتِ بِالْبَاصِ *baedēn raḡeε ʕal-bēt bəl-bāš*

در یک کتاب مرجع دستور زبان عربی سوریه‌ای^{۲۷}، که در آن تنها الفبای فوننتیک بدون کدام ارتباط به نگارش ممکن با الفبای عربی استفاده شد. عین جمله چنین نوشته می‌شود:

مثال^۳:

baʕdēn raḡe ʕal-bēt bəl-bāš

در مثال آخر، تمرکز عمده بالای واجشناسی است. آموزندگان کدام ارجاع مشترک لغوی را میان عربی معیاری مدرن و عربی گفتاری بدست نمی‌آورند قسمی که این نوشته می‌رساند واژه‌های نوشته شده متکی بر ریشه لغات واژه پیشنهادی

^{۲۴} Liddiacoat, Lennane, Abdul Rahim, ۱۹۹۸.

^{۲۶} Kassab, Manual du Parler Arabe Moderne au Moyen-Oreint, ۱۹۹۷۰

^{۲۷} Cowell, ۲۰۰۵.

نمی باشد. طور مثال، واژه (*al-bēt*) می تواند به مشکل مفهوم « خانه » را بیان کند. استفاده از رسم الخط عربی بعوض آن (عالیبت)، آموزندگان را کمک می کند تا حد اقل واژه آشنا « خانه » را شناسایی کنند و لو اینکه آنها آنرا مطابق به واجشناسی تجویزی زبان عربی معیاری مدرن بصورت « *al-bayt* » تلفظ کنند.

در هر صورت، از این روش در بسیاری از کورس های عملی در مفاهمه استفاده می شود که هدف عمده آن اینست که تا بعضی از عبارت ها و جملات کوتاه در مورد ضروریات روز مره درس بدهند و آموزندگان را به سطح تسلط گذران فراهم سازد. با وجود این، این میتود ها، اگر به تنهایی استفاده گردند، آموزندگان را قادر نمی سازند تا یک واژه را در عربی بخوانند.

۳. دو سطح نمایندگی:

نگارش عربی که توسط فُصحی و به تعقیب آن توسط عربی معیاری مدرن استفاده شد، می تواند از نقطه نظر ساختاری در دو سطح نمایش تقسیم شود. اولی اسکلیت بندی کانسوننتی است که فقط همخوان ها و واکه های کشیده را ثبت می کند زمانی آنها به میان می آیند. این به ریشه واژه اشاره می کند و معنی شناسی را بیان می دارد، مگر این سطح شامل ارجاع به ساختار آوایی نمی شود. از اینکه، املائی متشابه (هومو گراف) می تواند اتفاق بیفتد و قابل فهم ممکن است که نباشند تا اینکه زمینه نحوی و معنا شناسی فراهم نشود. طور مثال، واژه « علم » می تواند طور زیر خوانده شود.

'alima, 'allama, 'ulima, 'ilm(un), 'alam(un)

و هر تلفظ ممکن، یک معنی متفاوت را می رساند. بخاطر وضاحت تلفظ، علامه های تمایز دهند (زیر، زیر، پیش) در بالا و یا در زیر هر حرف اضافه می شوند. مانند: (عَلِمَ، عَلِمَ، عَلِمَ، عَلِمَ).

زمانی گویندگان اهل زبان شروع به فراگیری تنوع نگارش زبان عربی می کنند (یعنی آموزش زبان عربی معیاری مدرن) را، علامه های تمیز دهنده بطور فراگیر برای مقاصد تعلیمی استفاده می شوند. واکه های کوتاه آنها را بطرف خوانش صحیح رهنمون می شود و برای آنها امکانیت می دهد تا ساختار آوایی تجویزی زبان معیاری عربی مدرن را بیاموزند. زمانی که این دانش تحکیم گردید، علامه های تمیز دهنده کمتری (در متن) اضافه می شوند تا اینکه خوانندگان قادر باشند متن را بصورت درست به خوانش گیرند. آموزندگان غیر اهل زبان معمولن عین طریقه را تعقیب می نمایند.

از طرف دیگر، زمانی که از گویندگان اهل زبان خواسته شود تا یک نوشته غیر رسمی را بخوانند، آنها می توانند تا تلفظ را بدون کمک علایم تمیز دهنده، تشخیص دهند. گویندگان اهل زبان قبلن تلفظ را بطور طبیعی آموخته اند، و آنها از آن به عنوان دانش آموخته شده قبلی کار می گیرند. آنها با کمک علایم تمیز دهنده به خوانش شروع نمی کنند تا اینکه تلفظ درست را تولید کنند (قسمی که آنها این کار را انجام می دهند زمانی که فُصحی را بخوانند). آنها می دانند که تلفظ عربی گفتاری، می تواند به عنوان زبان مادری شان در نظر گرفته شود. اگر ما آنها را با آموزندگان غیر اهل زبان مقایسه می کردیم، آشکار است که آنها هیچ وسیله ای ندارند تا واکه ها را درست تلفظ کنند، زیرا که نگارش غیر رسمی تنها سطح همخوان ها را شامل می شود. این بدان معنی است که آموزندگان غیر اهل زبان باید نخست دانش واجشناسی را بیاموزند تا قادر باشند نگارش غیر رسمی را نزدیک به لهجه و یا شناخت لهجه بخوانند. بطرز غیر معقول، آنها مکلف هستند تا معلومات را از طریق یک سیستم کاملن متفاوت (یعنی الفبای آوا نگاری) کسب نمایند.

ملاحظات فوق الذکر اشارت بر آن دارند که اگر دو سطح پوره نمود در الفبای عربی بتوانند در زبان عربی گفتاری هم بدست آیند، این هم عین وضعیت را بار می آورد که آموزندگان غیر اهل زبان با آن عادت نموده اند. یک نوشته غیر رسمی مملو از علایم تمیز دهنده آنها را قادر خواهد ساخت تا که معلومات نحوی و واجشناسی را هم دریابند. در بخش بعدی، اصول عمده ای که مبنای این طرح پیشنهادی را تشکیل می دهند، و فواید، اضرار، و کاربرد عملی آنها را در تدریس زبان گفتاری عربی خواهم نمود.

۴. الفبای عربی علامه دار در نگارش غیر رسمی

نظریه غنی سازی نگارش غیر رسمی با یک سیستم مکمل علائم تمیز دهنده، روی ضرورت ناشی میشود تا یک سیستم عملی را فراهم نماید که آن عین قدم هایی که در خوانش یک متن عربی معیاری مدرن بر داشته شدند، باز آفرینی می کند. هدف عمده این بود که تا دو سطح نوشته بدست آید:

- سطح کنسونی – ریشه شناسی: این تا اندازه ممکن نزدیک به نگارش رسمی عربی معیاری مدرن است؛
- سطح فونتیکی (آوا نگاری): این وسیله انتقال تلفظ درست توسط علائم تمیز دهنده است و آموزندگان غیر اهل زبان را کمک می رساند تا با تفاوت های واجشناسانه بین زبان عربی معیاری مدرن و عربی گفتاری عادت کنند.

اصل عمده این سیستم نگارش آنست که، تا جای ممکن، نویسه ها (حروف) وضع شوند و یک علامه تمیز دهنده بر آن افزوده شود تا اینکه یک مرجع اصلاحات واجشناسانه را پیشکش نماییم. به این طریق، این سیستم در نمود سطح اول، مرجع ریشه شناسانه را حفظ می کند و در عین حال، ابزار ضروری را به آن اضافه می نماید تا یک تلفظ واقعی زبان عربی گفتاری را باز آفرینی کند.

من از قلم (فونت) ^{۲۸} (Scheherazade) استفاده کردم که آن افزودن علائم تمیز دهنده متفاوت را با حفظ ضمیمه در میان حروف امکانیت می بخشد. در نتیجه، انتخاب علامه تمیز دهنده برای یک تعداد فونیم های (آواهای) مشخص به نسبت محدودیت های که خود «فونت = font» داشت، محدود بود. قسمی که ممکن نبود تا نشانه های جدید وضع شوند، من مقید به علامه های تمیز دهنده موجود قبلی ماندم و کوشش نمودم که با در نظر داشت تطابق منطقی میان یک علامه و آوایی که از آن نمایندگی می کند، انتخاب نمایم. بخاطر داشته باشید که مرحله نهایی این سیستم اینست که برای آموزندگان غیر اهل زبان تسهیلات فراهم میگردد، تلاش من فقط این بود که تا بالای پدیده اصلی توجه نمایم تا اینکه از پیچیده ساختن، و غیر عملی ساختن آن جلوگیری بعمل آید تا اینکه این سیستم غیر قابل استفاده نباشد.

به عنوان نقطه آغاز، من فقط یک زبان عربی گفتاری را انتخاب نمودم (عربی خاور میانه را)، خاصتن زبان محاوره ای اهل سوریه را. من سیستم واکه ها و همخوان های این نوع زبان عربی گفتاری را به تجربه گرفتم تا آن آوایی را پیدا نمایم که با الفبای عربی معیاری مدرن نشان داده نمی شوند. این موضوع می تواند به دو کتگوری تقسیم بندی شود: آواهایی که آنها اصلن در زبان معیاری عربی مدرن متغیر نمی شوند، قسمی که آنها بطور خاص فقط در نوع گفتاری وجود دارند. طور مثال: /e/، /ē/، /o/، /ō/، /z/، و آواها که برای عربی معیاری مدرن و هم عربی محاوره ای مشترک هستند مگر در عربی گفتاری آنها گاهی از حروف (گرافیم های) تفاوت تولید می گردند. طور مثال: آوای /t/ از «ت»، آوای /s/ از «ث»، و آوای /ʔ = ʿ/ از «ق» بمیان می آیند.

۴.۱. واکه های کوتاه

نگارش رسمی عربی قبلن بعضی از علائم تمیز دهنده مانند (زیر، زیر، و پیش) /a/، /i/، /u/ دارد که واکه های کوتاه از هم تشخیص می گردند. زبان محاوره ای خاور میانه که من آنرا بررسی نمودم، بواسطه واکه های موجود اضافی توصیف می گردند که می توانند معمولن به قسم /o/، /e/، و /ə/ شناخته شوند. علائم تمیز دهنده مشابه، نظر به شباهت هایی که با نشانه فونتیکی متداول دارند، انتخاب گردیدند و نه به واکه کوتاه اصلی که می توانند جایگزین آنها شوند. طور

مثال، واکه گرد، عقبی، میانی /o/ با علامه (ُ)، نمایش داده می شود قسمی که این یک نیم دایره است، واکه پیشین

^{۲۸} Arabic Script Unicode Fonts: Copyright © ۲۰۰۴ – ۲۰۱۱, SIL, International: [http://www.sil.org], with Reversed Font Names "Scheherazade" and "SIL".

بلند - میانی / e / توسط علامه ُ نشان داده می شود، و واکه میانی / o / با علامه ُ نشان داده می شود، واکه بلند رفته / ʔ / می تواند با علامه ُ نشان داده شود.

۲,۴. واکه های کشیده

عین علامه ها، که در فوق (بخش ۱,۴) ذکر شدند می توانند در بالای واکه های کشیده استعمال شوند تا تغییرات واکه های مرکب (دفتانگ) / ay = آی / و / aw = او / را نشان دهند که آنها به ترتیب به واکه های تک صوتی کشیده / o = و / و / ای = َ / تبدیل می شوند. اگر ویژگی دفتانگی در نظر گرفته شود (طور مثال در عربی گفتاری لبنان)، تولید آوایی اصلی در عربی معیاری مدرن حفظ می گردد. از اینکه واکه زیرین باز (ā) به / e / و یا / ε / بر افراشته میشود، عین علامه می تواند بالای حرف الف (ا) اضافه گردد تا پدیده امله^{۲۹}، علامه گذاری گردد. به این قسم، حرف اصلی حفظ می ماند و تغییر آوایی آن هم علامه گذاری می شود.

با کار بستن تنها این علایم، ما می توانیم مثال قبلی را قسم زیر رونویسی کنیم:

بعديں رجع عالييت بالباص ba'dēn raǰe 'al-bēt bāl-bāṣ

مثال های دیگر:

مَنْ كَمْ يَوْمٌ / يَوْمٌ Mān kam yōm / yawm

ما كَانَتْ هَوْنٌ Mā kānet hōn (سوریه ای)

ما كَانَتْ هَوْنٌ Mā kānet hawn (لبنانی)

^{۲۹} امله عبارت از میل دادن فتحه است بسوی کسره. (از تعریفات جرجانی). میل دادن فتحه بسوی کسره و الف بسوی یاء است. (از شرح ابن عقیل بر الفیه ابن مالک). (میل دادن صوت «أ» (الف) به «ی» (در قدیم یای مجهول^{۳۰} و اکنون یای معروف) (فرهنگ فارسی معین). مانند: نهاب=نهییب، خضاب=خضیب، سلاح=سلیح، أمن=ایمن، رکاب=رکیب، کتاب=کتیب، حساب=حسیب، حمار=حمیر، جهاز=جهیز، عتاب=عتیب، حجاب=حجیب، جراب (انبان) = جریب، احتراز=احتریز، املا=املی، استهزا=استهزی. بعض شاعران کلمات فارسی را هم بصورت ممال بکار برده اند، مانند رهی (=رها) در این بیت:

آن خلاق بر سر گورش مهی کرده خون را از دو چشم خود رهی (مولوی) - مترجم

۳, ۴. آوای انسدادی زبانه ای (ملازی) / ق = q /

در عربی گفتاری خاور میانه و مصر، فونیم / ق / معمولاً به آوای انسدادی چاکنایی (حجره ای) / ء / / تعدیل می شود که به شکل عادی با حرف همزه / ء /^{۳۰} عربی نشان داده می شود. اضافه نمودن یک همزه کوچک به صفت یک علامه تمایز دهنده در زیر حرف « ق » ما را قادر می سازد تا هم ریشه صرفی واژه ها را حفظ کنیم و هم شناخت آوایی عربی گفتاری را نشانی کرده باشیم.

مثال ها:

قَصَّة ʔaṣṣa قَدِيم ʔadīm قَرِيب ʔarīb قَمِيص ʔamiṣ , قَالَ ʔāl

با وجود این، در بعضی از لهجه های روستایی، آوای / ق = q / می تواند به آوای واکدار انسدادی نرمکامی / گ = g / تبدیل شود. این آوا توسط یک حرف کوچک قاف که سه نقطه دارد (بدین ترتیب = ق) نشان داده می شود.

۴, ۴. آوای های سایشی دندانی / θ / و / δ /

این دو آوا در الفبای عربی به ترتیب با حروف « ث » و « ذ » نشان داده می شوند. تغییرات آوایی بطرف انسدادی دندانی رخ می دهد که در اینصورت / θ = ث / به / ت = t / و / δ = ذ / به / د = d / تبدیل می شود. و یا اگر تغییرات آوایی بطرف صغیری های بیره ای تغییر کند که در اینصورت آوای / θ / به / س = s / و آوای / δ / به / ز = z / تبدیل می شود. جدول زیر این تغییرات آوایی را نشان می دهد.

آوای های صغیری بیره ای (س، ز) (آوای های انسدادی دندانی (ت، د))

| Plosive dentals | | Alveolar sibilants | |
|-----------------|-------|--------------------|-------|
| /θ/ > [t] | ث > ت | /θ/ > [s] | ث > س |
| /δ/ > [d] | ذ > د | /δ/ > [z] | ذ > ز |

Table 1: Dental fricatives

جدول ۱: سایشی های دندانی (ث، ذ) و تغییرات آوایی آنها را با (ت، د) و (س، ز) نشان می دهد

در ردیف اول (از چپ به راست)، یک نقطه اضافی در زیر حروف (ث، ذ) آمده است که به این معنا است که یکی از نقطه های اصلی بالای حروف باید حذف گردد. به عبارت دیگر، ما ضرورت داریم تا یک نقطه را از سر این حرف ها (ث، ذ) در اصل کم می کنیم تا بر همین قیاس حروف «ت» و «د» را داشته باشیم^{۳۱}. نقطه های زیر «ث» و «د» بیانگر ریشه شناسانه «ث» و «ذ» هستند که در بالای سر خود نقطه دارند.

در ردیف دوم (از طرف راست جدول)، حرف کوچک «س» که بالای سر حرف «ث» جایجا شده، نشان می دهد که آن «ث» باید، مانند «س» تلفظ شود. در این حالت، / θ / و / s / می توانند به صفت دو شناخت ممکن برای عین حرف به

^{۳۰} این آوا بنام ریشه زبان تو رفته انسدادی حجره ای توصیف می گردد.

حساب آید. انتخاب حرف «ذ» با دو نقطه / د / فقط یک انتخاب در کمبود حرف است؛ زیرا که در سیستم (کمپیوتر) امکانیت وجود نداشت که یک حرف کوچک «ز» بالای سر حرف «ذ» نوشته شود (قسمی حرف کوچک «س» بالای «ث» آمده است = ث^{۳۲}).

مثال هاک

کتیر کثیر *ktīr* مَثَلًا *masalan* تَمَافَة *saqāfe* تَمَافَة *sa'ēfe*
أَحَبَد *?axad* دَهَب *dahab* ذَوْق *zaw?* ذَوْق *zō?*

همخوان های حلقی شده / ض / و / ظ / /d^h/, /ð^h/

این دو آوا (فونیم) در الفبای عربی با حروف «ض» و «ظ» نشان داده می شوند. هر دو فونیم می توانند به آوای واکنار بیره ای سایشی حلقی شده [z^h] تبدیل شوند. در عین زمان، «ض = /ð^h/» می تواند دندانانی [d^h] و یا سایشی [z^h] باشد. قابل یاد آوری است که هر دو فونیم حلقی شده ([d^h] و /ð^h/) - که توسط حروف متفاوت عربی نشان داده می شوند، می توانند عین الوفون [z^h] داشته باشند. این بدان معنا است که حروف اصلی باید در سطح نمایش کانسوننتی حفظ شوند. جدول زیر نشان می دهد که چطور این تغییرات با الفبای علامه دار نوشته می شوند.

| <ض> | | <ظ> | |
|---------------------------------------|-------|---------------------------------------|-------|
| /d ^h / > [z ^h] | ض > ض | /ð ^h / > [z ^h] | ظ > ظ |
| - | - | /ð ^h / > [d ^h] | ظ > ظ |

Table 2: Pharyngealized consonants

جدول ۲: همخوان های حلقی شده «ض، ظ» و تغییرات آوایی آنها را نشان می دهد.

^{۳۲} حرف «ذ» که به شکل «ذ» صدای «ز» را می دهد، و به شکل «د» نوشته شده، صدای «د» را می دهد. حرف «ث» هم که به شکل «ث» نوشته شده، صدای «ت» را می دهد، و حرف که به شکل «ت» نوشته شده، نمایندگی از آوای «س» می کند - مترجم.

سه نقطه بالای سر هر دو حرف «ض، ظ»، نمایانگر الوفون مشترک هر دوی این آواها [zʰ] است، در حالی که حرف «ص» کوچک بالای «ظ» (بدین ترتیب ُ) ، بیانگر آنست که این آوا باید به شکل همخوان دندانی حلقی شده تلفظ گردد.

مثال‌ها:

ظَلَّ > dʰall مضبوط mazʰbūt ظالم zʰālem

۴, ۶. تغییرات به سبب کار برد های دستوری

در زبان محاوره ای سوریه، بعضی از آواها، زمانی که آنها بخشی از واژگ (مورفیم) دستوری را تشکیل دهند، می توانند تغییر کنند. این آواهای عمدتن / m = م / و / n = ن / هستند که هنگامی که در پسوند های صیغه جمع در شخص دوم و سوم بوجود می آیند «كُم = -kum = شما) و (هُم = hum = آنها، ایشان) و همچنان «ه = h) صدای خود را از دست می دهد (∅) زمانی که در پسوند های شخص سوم مفرد (مذکر و مؤنث)، (هُ = -hu) و (ها = -hā) بیاید. مگر این تغییر ثابت نیست و آوای «ه = h) در بعضی از ساحات دیگر در خاور میانه تلفظ می گردد. برای نشان دادن این تغییر آوایی، یک «ن» کوچک بالای سر حرف «م» افزوده شد و یک نقطه در زیر حرف «ه» به عنوان علامه تمیز دهنده افزوده شد که نمایانگر اینست که این حرف باید حذف شود (تلفظ نشود).

مثال‌ها:

اسمّه > ism-o رَفِقْهَا > rfi'-a فَيْكُم > fikon مَعَكُمْ > ma'kon

۵. منافع و اضرار

سیستم همگون: سر و کار داشتن با دو تنوع متفاوت در عین زبان، دال بر استفاده نمودن از دو نوع سیستم متفاوت نیست. چنانچه، اگر الفبای عربی عادی برای عربی معیاری مدرن و نگارش علامه دار عربی برای عربی گفتاری استفاده شوند. حتی اگر آموختن بعضی از علامه های جدید، تقاضای تلاش بیشتر از آموزندگان کند، دو تحقق متفاوت از عین واژه است (

مانند: رَجَع و رَجَع) مطابق با یک اصل بیان خواهند شد که آن عبارت از: همخوان ها جمع علامه ها است. این روش آگاهی آموزندگان را افزایش می دهد تا هم عربی نوشتاری و گفتاری را بصورت یکپارچه درک کنند.

مهارت های زبان: نگارش علامه دار عربی امکانیت می دهد تا تمام مهارت های زبان تقویت شوند. یک نصاب تعلیمی خوب تنظیم شده باید فعالیت های خوانش و نگارش و همچنان مهارت های گوش گرفتن و صحبت کردن را در بر گیرد. نگارش علامه دار عربی این امکانیت را فراهم می کند تا ذخیره لغت افزایش یابد و تمرینات نوشتاری که بر اساس لغات و دستور زبان عربی گفتاری است، خوبتر انجام شوند.

درک مطلب: الفبای علامه دار عربی شاگردان را به معنا شناسی مواد نوشتاری راهنمایی می کند، بویژه اگر آنها عربی گفتاری را از طریق میتود «زبان معیاری در قدم نخست و لهجه در قدم بعدی» آموزش می ببیند. آنها می توانند لغاتی را که آموخته اند، شناسایی کنند و تلاش می نمایند تا شکل آواشناسه متفاوت را بصورت درست باز آفرینی کنند. آنها همچنان

می توانند شکل درست ریشه را از لغات نا آشنا باز یابی کنند. بویژه هنگامی که بعضی از شکل های گفتاری موضوعات لغوی نیستند و منحصر به لهجه می باشند، مگر از نقطه نظر واجشناسی شکل تعدیل یافته عربی معیاری مدرن هستند.

مواد تعلیمی: امکانیت عملی ساختن عربی گفتاری در شکل نوشتاری، مشکل کمبود مواد تعلیمی را حل می سازد. در عین حال، این از وابستگی مواد سمعی در فقط واحد تعلیمی استفاده می شود، کاهش می دهد، طوری که مواد نوشته شده هم می تواند معرفی شود.

تلاش بیشتر در قسمت آموزش الفبای عربی علامه دار:

اضرار این سیستم عمدتاً بر مبنای ضرورت در میتود تدریس خود این سیستم قرار دارد، بویژه اگر آموزندگان نخست آموزش را از عربی گفتاری شروع کنند و سپس در قدم بعدی عربی معیاری مدرن را بیاموزند. ولی اگر شیوه معکوس انتخاب شود (که آن بیشتر متداول است)، این کافی برای آشناسازی تنها با بعضی از علامه های اضافی است.

عربی گفتاری نا همگون: اکنون که در حال نوشتن این طرح پیشنهادی هستم، الفبای عربی علامه دار روی دست گرفته شد، تا واجشناسی عربی گفتاری را در خاور میانه (حوزه مدیترانه) افاده شود، بویژه در عربی گفتاری سوریه. تحقیق بعدی می تواند کاربرد آنرا در دیگر زبان های نوع عربی در حوزه مدیترانه (فلسطین و مصر) با کمی تعدیلات و اضافات میسر خواهد ساخت.

۶. کاربرد عملی

این سیستم همراهی یک گروپ کوچک شاگردان بیست و پنج نفری به آزمایش گرفته شد. کورس زبان عربی گفتاری برای مدت دوازده هفته طول کشید و بیشتر شاگردان قبل از زبان معیاری عربی مدرن را حد اقل برای مدت سه سال مطالعه کرده بودند. هیچکدامی از آنها نخست در معرض کدام تنوع گفتاری در آموزش رسمی قرار نگرفته بودند. با وجود داشتن بعضی مشکلات اساسی در خواندن علامه های جدید، بیشتر شان بیان نمودند که الفبای علامه دار عربی را بر الفبای آوا نگاری بین المللی (فونتیک) ترجیح می دهند. انجام دادن فعالیت های در خوانش یک متن نوشته شده با الفبای علامه دار عربی، حتی بدون گوش گرفتن قبلی به محتویات متن، بسیار قناعت بخش نزدیک به تلفظ درست بود. با اینکه بعضی از تلفظ معیاری زبان معیاری عربی مدرن زمانی متن خوانده شود، نظارت کردند، معمولن، شاگردان بطور مستقل اشتباهات شان را در مقابل شکل غیر معیاری عربی گفتاری درست می کنند. از سوی دیگر، زمانی که از عین گروپ شاگردان خواسته شد تا یک محاوره را که با الفبای ساده عربی نوشته شده بود، عملکرد آنها به واجشناسی عربی معیاری مدرن نزدیک بود، با اینکه آنها به عین بخش در تمرینات دروس قبلی گوش فرا داده بودند. در جریان همان کورس، فعالیت های صحبت کردن هم توسط تمرینات و دیالوگ (گفتگو) نوشتاری حمایت شدند.

در این زمینه یک بررسی بعدی باید صورت گیرد. این طرح پیشنهادی بر آن نیست که تا نگارش غیر رسمی گویندگان یک زبان را بکلی تغییر دهد و نه در صدد آنست که آنرا بصورت متعارف در بیاورد و یا آنرا تعدیل کند. بر علاوه این، ضرورت به این نیست که آنرا در جریان تمام مراحل آموزش عربی گفتاری استفاده شود. با وجود این، الفبای عربی علامه دار می تواند یک ابزار بسیار مفید باشد بویژه در قدم نخست آموزش و یا اگر کورس های زبان عربی معیاری و عربی گفتاری بطور همزمان بر گزار شوند. در نتیجه، الفبای علامه دار می تواند در در مرحله اول آموزش عربی گفتاری معرفی شود، ولی زمانی که شالوده آواشناسی و واژک شناسی (صرف) این نوع قوام حاصل کند، علامه ها بشکل تدریجی حذف می شوند تا اینکه آموزندگان نوشته های غیر رسمی را بدون بکار گیری علامه ها مانند گویندگان اهل زبان متن را خوانده بتوانند.

۷. نتیجه گیری

وضعیت پیچیده زبانشناسی زبان عربی احتمالاً یکی از چالش‌های مشکل‌است که با آن هم معلمان و هم شاگردان مواجه می‌شوند. در یک میتود یکپارچه که آن آموزندگان را – یا بطور پیاپی و یا بطور همزمان – در معرض هر دو تنوع قرار می‌دهد، به مواد حمایتی نوشته شده ضرورت است. اگر چه، الفبای فونتیک، تلفظ دقیق را برای آموزندگان فراهم می‌سازد، این راه حل عملی برای مقاصد آموزشی نمی‌باشد. الفبای عربی علامه دار می‌تواند کمک بزرگی برای آموزندگانی که تجربه قبلی در عربی معیاری مدرن دارند، باشد، بویژه در مرحله اول آموزش تنوع گفتار

ضمیمه ۱: واکه ها و نیم واکه در نگارش عربی علامه دار

| Examples | | Diacritized Arabic writing | Arabic alphabet | CA ¹⁶ phonetic transcription | MSA transliteration |
|----------------------------|--------------------------|----------------------------|-----------------|---|---------------------|
| Integrated Arabic writing | Phonetic transcription | | | | |
| فَقَح | fataħ | ف | ف | a | a |
| حَال | xa:l | ا | ا | a: | ā |
| كَأَنَّتْ | ke:net | أ | - | e: | - |
| كَأَنَّتْ | ka:net | أ | - | e | - |
| بَيْتْ | be:t | ب | - | e: | |
| رَجَعْ | radʒeʔ | ع | - | a | |
| بَتَكْتَمِي | btək'tbi | ت | - | ɔ | |
| جُمُعَة | dʒumʕa | ع | ع | u | u |
| شُوفْ | ʃu:f | و | و | u: | ū |
| وَلَدٌ / وَاحِدٌ | walad / wa:ħed | و / وَ | و / وَ | wa / wa | w |
| وَصَالٌ | wasʕal | | و | wɔ | |
| وَسَلٌ | wasʕel | و | - | wə | |
| وَلَادٌ | wla:d | و | و | w | |
| بَتَكْتَبْ | baktob | ت | - | o | - |
| كَوَلْ | ko:l | و | - | o: | |
| زِرَاعَة | zra:ʕa | ر / ر / ر | ر | r | r |
| بِيَابُول / بِيَاكَلِي | biʔu:l / bi:akli | | | | |
| عِدْ | ʕi:d | د | د | i: | i |
| يَعْنِي / يَمَام / أَيَّام | yaʕni / hɪya:m / ʔayya:m | ي / ي / ي | ي / ي / ي | ya / ya: / yya: | y |
| بِيَاوَسَلْ / أَيَّام | biʔasʕal / yo:m | و / و / و | - / و / و | yu / yu: / yo: | |
| بِيَاوَسَلْ | biʔasʕal | و | - | yə | |
| نَايَم / أَيَّام | na:yem / ʔayyeb | ي / ي | - | ye / yye | |

ضمیمه ۲: همخوان‌ها در نگارش عربی علامه دار:

| Examples | | Diacritized Arabic writing | Arabic alphabet | CA phonetic transcription | MSA transliteration |
|---------------------------|------------------------|----------------------------|-----------------|---------------------------|---------------------|
| Integrated Arabic writing | Phonetic transcription | | | | |
| تعدین | baʔde:n | ب | ب | b | b |
| بیروقه | pro:va | پ | ب | p | |
| بنات | ʔana:t | ت | ت | t | t |
| ثورة | θawrah | ث | ث | θ | |
| مشکل | masal | ث | | t | |
| مشکلا | masalan | ث | | s | |
| جمال | dʒama:l | ج | ج | dʒ | ǰ |
| جمال | ʒama:l | ج | | ʒ | |
| جمال | gama:l | ج | | g | |
| روح | ru:h | ح | ح | h | ħ |
| دخل | da:ʔal | خ | خ | x | □ |
| دار | dar | د | د | d | d |
| مذاق | maða:q | ذ | ذ | ð | ð |
| أخذ | ?aʔad | ذ | | d | |
| إذا | ?iza | ذ | | z | |
| غرب | ʔarab | ر | ر | r | r |
| زمان | zama:n | ز | ز | z | z |
| سلام | sala:m | س | س | s | s |
| شراب | ʔara:b | ش | ش | ʃ | ʃ |
| صار | sʔar | ص | ص | sʔ | s |
| ضرب | dʔarab | ض | ض | dʔ | d |
| متضبط | maʔbu:tʔ | ض | | zʔ | |
| طبيب | tʔabib | ط | ط | tʔ | t |
| ظلام | θʔala:m | ظ | ظ | θʔ | z |
| ظن | dʔal | ظ | | dʔ | |
| عظم | ʔazʔim | ظ | | zʔ | |
| معلوم | maʔlu:m | ع | ع | ʔ | ' |
| غلط | ʔalarʔ | غ | غ | ɣ | θ |
| فتح | ʔatah | ف | ف | f | f |
| برایز | bravo | پ | | v | |

| | | | | | |
|--------------|---------------|----|----|---|---|
| أناقة | ʔna:qa | ق | | q | |
| قليل | ʔalti | ق | ق | ʔ | q |
| قاعد | ga:ʔed | ق | | g | |
| حالك | ħa:lak | ك | | k | k |
| حالك | ħa:laf | ك | ك | ħ | |
| لاغب | la:ʔeb | ل | ل | l | l |
| شام | ʃa:m | م | | m | m |
| متغكم | maʔkon | م | م | n | |
| نام | na:m | ن | ن | n | n |
| هلال | ħla:l | هـ | | h | |
| كتابها/شافها | ka:b-a/ʃa:f-a | بـ | هـ | - | ħ |
| رتس | raʔs | ء | | ʔ | |
| شيء/ضخراء | ʃi:/sʔaħra | ف | ء | - | ʔ |
| تأخذ | ta:xod | ا | | - | |

نمونه ای از نوشته زبان عربی علامه دار:

كان فيه واحد حلبي قال له صاحبه: شفت مبارح مرتك راكبة مع رجل غريب بسيارتك وعم تسوق بسرعة. رد الحلبي: مش مشكله، هي بتعرف تسوق منيح شو كانت اول شغلة بعد الزواج لفتت لك نظرك انه... انا غلطانة بهالشخص؟ هي الصور... شي بيدكرنا يعني بالذكريات الحلوة. اكيد يعني انا كثير بمبسوط وقت بشوف صوري انا وصغيرة. ف... حتى هلا يعني... البشع يللي هلا بها الوقت مثلاً، عم نستعمل الديجيتال. مثلاً عم ننقلهم عالكمبيوتر. عم نفقد هالشياء، ف... بحب انا ارجع للصور دائماً مبل كنا زمان يعني.

- AL-BATAL M., 1995, "Issues in the teaching of productive skills in Arabic", *The Teaching of Arabic as a Foreign Language: Issues and Directions*, M. Al-Batal ed., Provo (Utah), American Association of Teachers of Arabic, p. 115-133.
- ALLEN R., 1985, "Arabic Proficiency Guidelines", *Al-'arabiyya*, n° 18 (1 and 2), p. 45-70.
- BADAWI A., 1973, *Mustawayāt al-'arabiyya al-mu'āšira fī Miṣr*, Cairo, Dār al-Ma'ārif.
- BADAWI A. and HINDS M., 1991, *A Dictionary of Egyptian Arabic: Arabic-English*, Beirut, Maktabat Lubnān.
- BADAWI M. M., 1993, *A Short History of Modern Arabic Literature*, New York, Oxford University Press.
- BASSIOUNEY R., 2009, *Arabic Sociolinguistics: Topics in Diglossia, Gender, Identity and Politics*, Edinburg, Edinburg University Press.
- BELNAP R. K., 1987, "Who is talking Arabic and what in earth for? A survey of students in Arabic language programs", *Al-'arabiyya*, n° 20 (1 and 2), p. 29-42.
- BLANC H., 1960, "Stylistic Variations in Spoken Arabic: a Sample of Interdialectal Educated Conversation", *Contributions to Arabic Linguistics*, C. A. Ferguson ed., Cambridge (MA), Harvard University Press, p. 81-156.
- CADORA F. J., 1965, "The teaching of spoken and written Arabic", *Language Learning*, n° 15, p. 133-136.
- COWAN W., 1968, "Notes towards a definition of Modern Standard Arabic", *Language Learning*, n° 18, p. 29-34.
- COWELL M. W., 2005, *A Reference Grammar of Syrian Arabic*, Washington (DC), Georgetown University Press.
- DURAND O., 2009, *Dialettologia araba*, Rome, Carocci.
- EL HASSAN S.A., 1978, "Educated spoken Arabic in Egypt and the Levant: a critical review of diglossia and related concepts", *Archivum Linguisticum*, n° 8 (2), p. 112-132.
- FERGUSON C. A., 1959, "Diglossia", *Word*, n° 15, p. 325-340.
- GORDON, C. H., 1970, "The accidental invention of the phonemic alphabet", *Journal of Near Eastern studies*, n° 29 (3), p. 193-197.

- HADDAD Y., 2006, "Dialect and standard in second language phonology: the case of Arabic", *SKY Journal of Linguistics*, n° 19, p. 147-171.
- HAFEZ S., 1993, *The Genesis of Arabic Narrative Discourse*, London, Saqi Books.
- KASSAB J., 1970, *Manuel du parler arabe moderne Au Moyen-Orient*, Paris, Geuthner.
- LIDDIACOT M. J., LENNANE R., ABDUL RAHIM I., 1998, *Syrian Colloquial Arabic. A Functional Course*, National Library of Australia, Canberra.
- MAZRAANI N., 1997, *Aspects of Language Variation on Arabic Political Speech-Making*, London, Routledge Curzon.
- MEISELES G., 1980, "Educated Spoken Arabic and the Arabic language continuum", *Archivium Linguisticum*, n° 11 (2), p. 118-143.
- MITCHELL T. F., 1962, *Colloquial Arabic*, New York, Hodder and Stoughton.
- 1980, "Dimensions of style on a grammar of Educated Spoken Arabic", *Archivium Linguisticum*, n° 11 (2), p. 89-106.
- 1986, "What is Educated Spoken Arabic", *International Journal of the Sociology of Language*, n° 61, p. 7-32.
- PALMER J., 2007, "Arabic diglossia: teaching only the Standard Variety is at disservice of students", *Arizona Working Papers in SLA and Teaching*, n° 14, p. 111-122.
- YOUNES M. A., 1995, "An integrated curriculum for elementary Arabic", *The teaching of Arabic as a foreign language: Issues and directions*, M. Al-Batal ed., Provo (Utah), American Association of Teachers of Arabic, p. 233-255.